

## تحلیلی بر التزام بازبینی برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی براساس رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی<sup>۱</sup>

مهسا ویسی\*

### چکیده

این پژوهش به بررسی و تبیین علل التزام تغییر سر فصل‌های درسی رشته باستان‌شناسی در تمام مقاطع، آن هم نه براساس سلايق بلکه بر مبنای الگو و مدل برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی پرداخته است. برنامه‌های درسی این رشته در این مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بیش از سی سال است که بازبینی نشده است و برنامه‌های درسی دوره دکتری نیز از ابتدای تاسیس این مقطع به همین شکل بوده است. امروزه در جهان برنامه‌های درسی به سمت مهارت محوری تنظیم می‌شوند و عناصر بسیاری در تدوین این برنامه‌ها مورد نظر قرار می‌گیرد. در این پژوهش با در نظر گرفتن مهارت‌های عمومی تعریف شده برای دانش‌آموخته باستان‌شناسی در شبکه اطلاعات شغلی امریکا (O\*NET)، به عنوان شاخص تحلیل محتوای شایستگی آموزشی باستان‌شناسی در ایران، به بازبینی میزان همپوشانی این برنامه‌های درسی با این مهارت‌های مرجع پرداخته شده است. هدف اصلی آن نیز تاکید بر لزوم بازبینی این دروس بر مبنای رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی است. گردآوری داده‌های مورد نیاز در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و شیوه پردازش داده‌ها توصیفی و تحلیلی است.

**کلیدواژه‌ها:** رشته باستان‌شناسی، برنامه درسی، مهارت، رویکرد شایستگی.

\* استادیار گروه پژوهشی تاریخ فرهنگی، پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، mahsaveisi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳

## ۱. مقدمه

ضرورت توجه به ارتباط میان مهارت و اشتغال از آن جا ناشی می‌شود که یکی از مشکلات حال حاضر جامعه ایران در ارتباط با آموزش عالی، مسئله کاربرد علوم انسانی در جامعه و اشتغال است که در سال‌های اخیر به اشکال گوناگون این موضوع مطرح و مورد بحث قرار گرفته است. آموزش عالی حلقه اتصال میان دانش آموزی، مهارت و در نهایت اشتغال است. بنابراین بررسی پایه و اساس برنامه درسی در هر رشته‌ای می‌تواند در این زمینه بسیار مهم تلقی شود. اگر آموزش‌ها کاربردی باشند و براساس اهداف رشته تنظیم شوند و در سطح بالای دانشی ارائه شوند، دانش‌آموختگان این رشته‌ها می‌توانند موجب ارتقای وضعیت علوم انسانی در کشور شوند. پیش از ورود به بحث لازم است مراد از چند اصلاحی که در این نوشتار استفاده شده را روشن کرد:

مقصود از مهارت، توانایی مستمر و مستقل برای انجام کاری یا ایجاد تغییری و مقصود از مهارت محوری دروس یک رشته، تدوین برنامه درسی بر مبنای اهداف و شاخص‌های راهبردی یا عملیاتی براساس مهارت‌های مورد نیاز شخص متخصص در هر رشته و دانش است به این معنا که دروس آموزشی در هر رشته‌ای می‌بایست در جهت پرورش مهارت-های مورد نیاز برای متخصص آن رشته باشند. مراد از محتوای کاربردی دروس نیز، محتوایی است که در راستای مهارت‌های مورد نیاز و هم چنین ماهیت اصلی دانش باشد و ضروریات علمی آن حیطه از دانش را در بر بگیرد.

باستان‌شناسی نیز یکی از شاخه‌های علوم انسانی است که نزدیک به نود سال از عمر آموزش دانشگاهی آن در ایران می‌گذرد. این دانش از ابعاد و وجوه گوناگون قابل بررسی است. از میان وجوه مختلفی که این دانش دارد، بعد آکادمیک آن به مثابه یک رشته دانشگاهی در این پژوهش مورد نظر است. به تعبیر دیگر حیطه این پژوهش نگاهی به روند شکل‌گیری سرفصل دروس رشته باستان‌شناسی در بستر تاریخی ایران معاصر و عمدتاً ناظر به باستان‌شناسی از بعد یک رشته دانشگاهی (آکادمیک) و از منظر جنبه‌های مهارتی است. هدف اصلی آن نیز تاکید بر لزوم بازبینی این دروس بر مبنای رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی است. مادامی که برنامه‌های درسی یک رشته تحصیلی در راستای اهداف، ماهیت و مهارت‌های شغلی آن نباشد برآیند ناکارآمدی در جامعه خواهد داشت و چندان کاربردی نخواهد بود. گردآوری داده‌های مورد نیاز در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و شیوه پردازش داده‌ها توصیفی و تحلیلی است.

## ۲. نگاهی بر روند تدوین برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی در ایران

مبانی فکری در تدوین برنامه‌های آموزشی رشته باستان‌شناسی را در سه بستر تاریخی می‌توان بررسی کرد: دوران اول از ابتدای تاسیس رشته تا قبل از تحولات دوران دکتر نگهبان، دوران دوم تحولات ایجاد شده در دوران دکتر نگهبان تا انقلاب اسلامی و دوره سوم از بازمینی برنامه‌های درسی بعد از انقلاب فرهنگی تا کنون.

دوره آغازین را می‌توان در بازه زمانی حدودی ۱۳۱۴ احتمالاً تا اواخر دهه ۱۳۳۰ دانست. در این دوره ابتدا رشته باستان‌شناسی با نام آثار باستان شناخته می‌شد و سر فصل دروس نیز حول محور هنر و تاریخ طراحی شده بود (سالنامه دانشسرای عالی ۱۳۱۵). علت چنین مسئله‌ای را تنها می‌توان در توانایی اساتید حاضر در آن دوره بررسی کرد. بدین معنی که دروس تعریف شده در این مقطع نه بر مبنای ماهیت رشته بلکه بر مبنای تخصص افرادی که در آن زمان برای تدریس در دسترس بودند برنامه‌ریزی شده بود. از محتوای دروس اطلاعاتی در دست نیست اما کلیت دو بخشی که بر برنامه سالیانه حاکم بوده است (یعنی علم آثار و تاریخ ایران) کلیتی تاریخی و هنری دارد<sup>۲</sup>. به فاصله کوتاهی از این دوره با بازگشت تحصیل کردگان از اروپا یعنی عیسی بهنام، مهدی بهرامی و محسن مقدم این روند تغییر کرد. در این دوره سرفصل دروس کاملاً تغییر می‌کند و اندکی به باستان‌شناسی نزدیک‌تر می‌شود. نقش عمده در تدوین دروس این دوره به احتمال زیاد بر عهده عیسی بهنام<sup>۳</sup> بوده است که از سال ۱۳۲۰ استاد گروه باستان‌شناسی و سپس مدیر این گروه شد. تمام افراد حاضر در گروه در این سال‌ها بخش عمده تحصیلاتشان علاوه بر باستان‌شناسی در زمینه هنر، هنرهای زیبا و تاریخ هنر بود و بعدها عزت الله نگهبان در مورد دروسی که در این دوره تدریس می‌شد اظهار می‌دارد اگر چه برخی از دروس عنوان باستان‌شناسی داشتند اما از نظر محتوایی با تاریخ هنر سر و کار داشتند (نگهبان ۱۳۷۶: ۷۲). این برنامه تنها برای یک دوره تحصیلی اجرا می‌شود و در دوره بعد که این گروه رسماً عنوان باستان‌شناسی به خود می‌گیرد، اگر چه به ظاهر، دروس عنوان باستان‌شناسی به خود می‌گیرند اما (با استناد به گفته‌های نگهبان که خود این دروس را در دوره دانشجویی گذرانده) به لحاظ محتوایی به تاریخ هنر مربوط بودند و هم چنین رکن اصلی باستان‌شناسی که کاوش و عملیات فنی و تخصصی مرتبط با آن است و در آن سال‌ها شغل اصلی باستان‌شناسان را شکل می‌داد در این مقطع زمانی وجود نداشت.

در دوره دوم و از آغاز دهه ۱۳۴۰ شمسی به بعد با روی کار آمدن عزت‌الله نگهبان که دستاوردهای مهمی چون تاسیس موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و آغاز فعالیت‌های میدانی و تغییر اساسی در برنامه درسی و افزودن واحدهای عملی باستان‌شناسی را به همراه داشت، برنامه‌های درسی به سمت باستان‌شناسی محض بیشتر متمایل شد و به نوعی مهارت محور شد.<sup>۴</sup>

اما دوره سوم و مهمترین دوره در آموزش رشته باستان‌شناسی از بعد از انقلاب فرهنگی و بازبینی دروس است. چرا که برنامه‌ای که در آن زمان تصویب می‌شود تاکنون یعنی قریب به بیش از سی سال است که پابرجا باقی مانده است. در برنامه جدید تغییراتی که ایجاد می‌شود نه بر اساس ماهیت رشته بلکه بر مبنای سلیقه افراد حاضر در جلسه شورای برنامه‌ریزی درسی گروه باستان‌شناسی بوده است. به گفته ملک‌شهمیرزادی علاوه بر کارگروه غیر مرتبط با باستان‌شناسی، از جمله افراد مرتبط با باستان‌شناسی در این جلسه یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد باستان‌شناسی بوده است. در حالی که بسیاری از اعضای قدیمی گروه که بعد از انقلاب نیز همچنان در گروه باقی بودند نظر خواهی نمی‌شود که این مسئله می‌تواند نقش مهمی در ناکارآمدی برنامه درسی داشته باشد.<sup>۵</sup> نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که شاید در آن زمان برنامه‌ی آموزشی تدوین شده پاسخ‌گوی نیازهای آموزشی آن برهه از تاریخ در این رشته بوده است. به هر روی می‌بایست شرایط حاکم بر کشور در اوایل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی را نیز در نظر گرفت که عوامل بسیار تاثیرگذاری در روند آموزشی کشور بودند. به نوعی می‌توان دوران آغاز انقلاب را در این رشته، دورانی دانست که تمامی مبانی آن تغییر کرد و بنابراین از نو زاده شد. این برنامه درسی شاید به راحتی می‌توانست پاسخ‌گوی نیاز آن روز جامعه در آموزش رشته باستان‌شناسی باشد اما نه برای مدت زمان بیش از سی سال. با معیارها و استانداردهای کنونی این دانش از بعد آکادمیک در جهان این برنامه‌های درسی نه تنها پاسخ‌گو نیست بلکه صورت مبتدی و اولیه‌ای از این دانش را به خصوص در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، به نمایش می‌گذارد و محتوای کاربردی مطلوبی ندارد. رشته باستان‌شناسی در ایران که سابقه- ای هم پای تاسیس دانشگاه تهران دارد از جمله علوم انسانی است که در حال حاضر به دلیل عدم تبیین جایگاه آن در جامعه نتوانسته با بدنه اشتغال در کشور ارتباط معناداری بیابد که البته این مسئله ریشه در برنامه‌های فرادستی دارد اما در کنار بسیاری مسائل دیگر که دلایل چنین معضلی را شکل داده‌اند، یکی از مشکلات نیز می‌تواند عدم تطابق برنامه‌های

درسی این رشته در مقاطع مختلف تحصیلی با ماهیت کاربردی این رشته باشد. ذکر این نکته ضروری است که بعد از انقلاب فرهنگی برنامه‌های درسی مقاطع کارشناسی<sup>۶</sup> و کارشناسی ارشد<sup>۷</sup> این رشته بازمینی می‌شوند و این برنامه تاکنون تغییری نکرده است و برنامه‌های درسی مقطع دکتری این رشته نیز همزمان با شکل‌گیری در سال ۱۳۷۴<sup>۸</sup> تدوین شده و تاکنون تغییری نکرده است.

اگرچه بحث بازمینی این برنامه‌های درسی مدت‌هاست مطرح شده اما باید در نظر داشت که نمی‌بایست مجدداً در این باره به شکل سلیقه‌ای عمل کرد. امروزه جهان در زمینه تربیت متخصصان در همه دانش‌ها، به سمت شایسته‌پروری پیش می‌رود و برای تنظیم برنامه‌های آموزشی نیز بر مبنای رویکرد برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی عمل می‌شود تا بدین وسیله افراد هر چه متخصص‌تر تربیت شوند و آماده ورود به بازار کار باشند. بدین ترتیب این پژوهش با نگاهی به برنامه‌های درسی کنونی رشته باستان‌شناسی به دنبال تبیین التزام بازمینی این برنامه‌های درسی آن هم نه بر مبنای سلیقه شخصی برنامه‌ریزان بلکه بر اساس شاخص‌گیری مهارت‌های عمومی مورد نیاز دانش آموخته این رشته در رویکرد شایستگی است. لازم به توضیح است که در این نوشتار مهارت‌های عمومی که یک دانش آموخته باستان‌شناسی باید داشته باشد به عنوان شاخص در نظر گرفته شده است. این مهارت‌ها از فهرست شبکه اطلاعات شغلی امریکا (O\*NET)<sup>۹</sup> برداشته شده است. ذکر این توضیح ضروری است که هدف از این نوشتار تبیین به کارگیری رویکرد شایستگی در بازمینی سرفصل دروس رشته باستان‌شناسی است که چهارچوب این رویکرد همان طور که به تفصیل در متن توضیح داده شده بر مبنای مهارت است و صرفاً نیز برای باستان‌شناسی کاربرد ندارد بلکه رویکردی است که در حال حاضر در تمام جهان برای برنامه‌ریزی آموزشی استفاده می‌شود و از آن جا که مبنای آن بر اساس مهارت‌های مورد نیاز برای دانش آموخته در هر رشته است، مهارت‌های استاندارد جهانی که در شبکه (O\*NET) برای تمام رشته‌ها از جمله باستان‌شناسی آمده به عنوان شاخص سنجش میزان انطباق سرفصل دروس با این مهارت‌ها که عمومی هستند و از کشوری به کشور دیگر تفاوت نمی‌کنند و بر اساس ماهیت این دانش هستند در نظر گرفته شد. این شبکه شغلی، تنها مختص به رشته باستان‌شناسی نیست بلکه یک مآخذ جهانی است که مشاغل مرتبط با تمامی رشته‌های تحصیلی در سطح جهان و هم چنین مهارت‌های عمومی مورد نیاز با هر یک از این مشاغل را در بر دارد و صرفاً در امریکا کاربرد ندارد بلکه به عنوان یک استاندارد جهانی و مرجع جهانی

برای تمامی رشته‌ها کاربرد دارد و به نوعی مهارت‌های پایه را تعریف کرده است. از آن جا که ممکن است این شبه پیش آید که استفاده از مهارت‌های مدنظر امریکا در شبکه شغلی امریکا برای تعمیم یا استفاده در ایران کاربرد ندارد باید تاکید کرد که این مهارت‌ها صرفاً مد نظر امریکا نیستند بلکه یک تعریف جهانی از مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان هر رشته تحصیلی به طور عمومی است که از کشوری به کشور دیگر تفاوت ندارد و براساس ماهیت هر دانش است.

### ۳. پیشینه پژوهش

مبحث سر فصل‌های آموزشی مقاطع مختلف باستان‌شناسی در سال‌های اخیر مورد بحث بسیاری از اندیشمندان این عرصه بوده است و ناکارآمدی این سر فصل‌ها کماکان مورد انتقاد و بحث است. پژوهش‌های انجام شده در این حیطه در دسته‌های مقالات، همایش‌ها و پایان‌نامه‌ها قابل بررسی هستند.

شهرام زارع، محمدرضا سعیدی هرسینی و کامیار عبدی از جمله کسانی هستند که مقالاتی در این باره منتشر کرده‌اند.

- شهرام زارع (۱۳۷۸: ۵-۴)، (۱۳۸۰: ۶-۴) در چند مقاله برنامه‌های آموزشی باستان‌شناسی دانشگاه تهران را مورد نقد قرار داده است و به نکات ارزشمندی در این باره اشاره می‌کند که شایسته تامل است. نگارنده در این مقالات پیشنهادات و انتقادات خود را در مورد درس مقطع کارشناسی باستان‌شناسی عنوان کرده است. اهمیت این نوشتار از آن جهت است که وی خود نیز در این فضای آموزشی دانشجوی بوده و نکته قابل توجه آن است که نویسنده تنها به نقد پرداخته و پیشنهاداتی نیز ارائه داده است که قابل توجه است.

- کامیار عبدی (۱۳۸۱: ۸-۴) از زاویه‌ای دیگر به این موضوع پرداخته و در بحثی با عنوان باستان‌شناسی یا تاریخ هنر اساس سر فصل‌های کارشناسی را زیر سوال برده و بیشتر درس را مرتبط با تاریخ هنر می‌داند تا باستان‌شناسی و بر مبنای تاریخی نیز ریشه این مسئله را واکاوی کرده است. وی هدف از این کار را نشان دادن ضعف شدید نظام آموزشی باستان‌شناسی در کشور دانسته و به طور کلی زیربنای

آموزشی این رشته را زیر سوال می‌برد. اگرچه چندی بعد نقدی روی این مقاله نوشته شده و برخی مباحث آن را زیر سوال برده‌اند.

- سعیدی هرسینی در یک مقاله مجزا (۱۳۷۹: ۵۵-۵۰) و در یک مقاله مشترک به همراه احمد چایی‌چی امیرخیز (۱۳۹۱: ۸۰-۶۰) سیر شکل‌گیری آموزش باستان‌شناسی در ایران و محتوای کمی و کیفی دروس کارشناسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در مقاله نخست ضمن ارائه تاریخچه‌ای از تشکیل گروه باستان‌شناسی سر فصل‌های آن از جنبه‌های گوناگونی چون میزان هماهنگی با پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی روز رشته، آموزش‌های کاربردی، میزان تداخل و تکرار مطالب و نیز حجم و تعداد واحدهای درسی مورد بررسی قرار گرفته و در مواردی نیز پیشنهاداتی ارائه شده است. در مقاله بعدی عدم کاربردی بودن ماهیت و محتوای دروس را به بحث کشیده‌اند و روند تحول دروس و منابع آموزشی رشته باستان‌شناسی را بررسی کرده‌اند که از نظر بررسی روند این تحول این منبع دارای اهمیت است و حاوی نکات نوینی است.

در زمینه همایش‌ها، همایش برگزار شده با عنوان "امکان‌ها و امکانات تحول آموزش در باستان‌شناسی ایران" قابل ذکر است که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه بوعلی سینا همدان با حضور اساتید رشته باستان‌شناسی دانشگاه‌های دولتی و آزاد سراسر کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری و جمعی از پژوهشگران و اساتید پیشکسوت حوزه باستان‌شناسی کشور و دانشجویان باستان‌شناسی با هدف بررسی ظرفیت‌های توسعه امر آموزش باستان‌شناسی و ارتقاء سطح دانش و امکانات حرفه‌ای این رشته برگزار گردید. در این همایش مقالاتی در رابطه با نقد آموزش باستان‌شناسی در ایران ارائه شد و بسیاری از اساتید از جمله حسن طلائی، حکمت الله ملاصالحی، ناصر نوروززاده چگینی و ... و هم چنین برخی از دانشجویان به ارائه مقالاتی در مورد آموزش باستان‌شناسی در ایران پرداختند و در پایان همایش نیز قطعنامه‌ای با محتوای ارزیابی و تجدید نظر در عناوین دروس دوره کارشناسی و تصویب آن توسط هر یک از کارگروه‌های تخصصی و در نهایت کارگروه عمومی؛ برنامه‌ریزی جهت تهیه سر فصل دروس مصوب در زمان چهل و پنج روز توسط اعضای تعیین شده در کارگروه ها بررسی و تجدید نظر مقدماتی عناوین دروس دوره کارشناسی ارشد که نیازمند

تصویب نهایی خواهد بود و این که افزون بر گرایش‌های سه گانه موجود پیشنهادات تصویب گرایش‌های جدید و مورد نیاز در دوره کارشناسی ارشد نیز تصویب شد. تعدادی پایان‌نامه در دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی نیز به این موضوع پرداخته‌اند. اما هیچ‌کدام از یک پژوهش‌های نام برده شده به لزوم به کارگیری راهبردی اساسی در رابطه با برنامه‌ریزی‌های درسی اشاره نکرده‌اند و تنها از برنامه‌های جاری انتقاد کرده و پیشنهاداتی نیز جهت جایگزینی برخی از دروس ارائه کرده‌اند که از این نظر پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین دارای نوآوری و متمایز است.

#### ۴. معنا و مفهوم رویکرد شایستگی در آموزش

با وجود اهمیت علوم انسانی و نقش ویژه‌ای که این علوم در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین خط مشی‌های اصلی جامعه دارد، پژوهش‌ها نشان می‌دهند رشته‌های علوم انسانی مورد بی توجهی واقع شده‌اند و بخشی از آسیب‌های وارده به این حوزه از دانش، ناشی از کاربرد روش‌های آموزشی نامناسب، غیر مسئولانه و نادرست، مسئله محور نبودن این علوم، غیر بومی و وارداتی بودن دانش موجود و کمبود پژوهش‌های واقعی است. نتیجه چنین وضعیتی کاهش شاخص‌های کیفی در آموزش رشته‌های علوم انسانی و تربیت دانش آموختگانی است که به دلیل دانش و مهارت ناکافی توانمندی لازم را برای پرداختن به موضوعات علوم انسانی آن طور که شایسته جایگاه این علوم است ندارند؛ از آن جا که عامل اصلی در آموزش و پژوهش هر حوزه‌ای نیروی انسانی متخصص در آن حوزه است در علوم انسانی نیز ضعف عاملیت انسانی و ناکارآمدی نیروی متخصص در این زمینه را می‌توان علت اصلی رشد نیافتگی این دسته از علوم دانست. پرورش نیروی انسانی نیز بیش از هر چیز نیاز به آموزش اثر بخش دارد. آموزشی که برنامه‌ریزی شده و هدفمند باشد و با نگاه به آینده محور فعالیت‌های آموزشی و یادگیری خود را شایسته سالاری و شایسته پروری قرار دهد (کدخدایی و همکاران ۱۳۹۶: ۱۰۷-۱۰۶).

آماده سازی جوانان برای اشتغال، همواره یکی از اهداف نظام آموزش عالی بوده است که در عصر کنونی شاید بتوان گفت مهم‌ترین هدف آن نیز محسوب می‌شود. گسترش چشم‌گیر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و همچنین برون داد آن یعنی حجم عظیم دانش آموختگان، موسسات آموزش عالی را در دهه‌های اخیر به سمت مفهوم سازی و سنجش ابعاد مختلف کیفیت در آموزش عالی متمرکز کرده است (یوسفی افراشته و همکاران



از سوی دیگر در چند دهه گذشته با افزایش نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، انتقادات به عمل آمده از نظام آموزشی فزونی یافته است. در این راستا برخی از مسئولان و متخصصان کوشیده‌اند با اتخاذ تدابیری برنامه‌های درسی را با مقتضیات جامعه و دنیای کار پیوند دهند تا از این طریق ضمن ممانعت از بیکاری دانش‌آموختگان به تقاضای بخش‌های مختلف اقتصادی کشور به نیروی انسانی ماهر و متخصص پاسخ دهند (بیتقی و سعیدی رضوانی ۱۳۸۰).

مشکلات در مورد عدم سازگاری برنامه‌های درسی با تقاضای بازار کار و موفق نبودن برنامه‌های درسی در کمک به دانشجویان برای کسب اطلاعات و مهارت‌های لازم برای ایفای نقش موثر در دنیای کار متحول امروزی به فراوانی مشاهده می‌شود. بنابراین می‌توان مشکلاتی از قبیل عدم سازگاری برنامه‌های درسی با تقاضای بازار کار و موفق نبودن برنامه‌های درسی در کمک به دانشجویان برای کسب اطلاعات و مهارت‌های لازم به منظور ایفای نقش موثر در دنیای کار را از دلایل عدم موفقیت یک برنامه تلقی نمود. برنامه‌های درسی دانشگاهی باید به گونه‌ای باشد که توانایی صلاحیت یا شایستگی لازم را برای مواجهه با حیطه‌های تخصصی در دانشجو و دانش‌آموخته به وجود آورد و از تناسب لازم برخوردار باشد. لذا بازنگری و طراحی برنامه‌های درسی دانشگاهی در راستای اصلاح شرایط یاد شده ضروری به شمار می‌رود (عارفی ۱۳۸۴: ۱۰۱). این در حالی است که بر مبنای توضیحاتی که پیش‌تر داده شد در تدوین برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی عملاً هیچ‌یک از این عناصر در نظر گرفته نشده است و برنامه‌های درسی این رشته کاملاً فرسوده هستند.

عمده‌ترین تأثیری که جهانی شدن بر دنیای کار داشته این است که به جای این که مشاغل به افراد دارای دانش و تخصص خاص نیاز داشته باشند به دلیل تغییری که در ماهیت کار ایجاد شده است، به افرادی نیاز دارد که دارای مجموعه‌ای از مهارت‌ها باشند. از آن جا که نیروی کار عمدتاً توسط نظام‌های آموزشی تربیت شده و به بازار کار روانه می‌شوند باید دقت داشت که برنامه درسی فعلی هر رشته‌ای در مراکز آموزش عالی تا چه حد برای پرورش چنین نیروهای کاری مناسب است (کریمی و مومنی ۱۳۹۰: ۷۴). پرورش افراد برای دنیای کار توسط آموزش بایستی بگونه‌ای صورت پذیرد که نظام آموزش عالی شایستگی‌های لازم را در آن‌ها در زمینه‌های عمومی و تخصصی ایجاد نماید و این محقق نخواهد شد مگر آن که برنامه‌های درسی به گونه‌ای طراحی شده باشند که این شایستگی‌ها

را در دانش آموختگان ایجاد و تقویت نماید (مومنی و همکاران ۱۳۸۷: ۱۲۹). حرکت انتقالی از برنامه‌های درسی محتوا محور به برنامه‌های درسی صلاحیت محور، مرتبط با حرکت از شکل‌های معلم محور به شکل‌های فراگیر محور است (منصوری و همکاران ۱۳۹۵: ۶). یکی از رویکردها برای تشریح رابطه میان آموزش و دنیای کار و کاهش شکاف بین آموخته‌های دانشجویان و نیازهای حرفه‌ای، برنامه درسی مبتنی بر شایستگی است و با شناخت رویکرد شایستگی، ویژگی‌ها و عناصر برنامه درسی در این رویکرد و هم‌چنین فرآیند طراحی و برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی و بهره‌گیری از این رویکرد می‌توان در ارتقا کیفیت نظام آموزشی موثر واقع شد. در این رویکرد برنامه درسی، تاکید اصلی بر دستاوردهای کاملاً مشخص و تعریف شده و براساس نیازهای جامعه و بازار کار است. الگوی شایستگی فهرستی از شایستگی است که یک فرد در شغل خاصی باید واجد آن‌ها باشد (هدایتی و همکاران ۱۳۹۵: ۹۴). در ادبیات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، به رویکردها و الگوهای مختلف برای پیوند آموزش و بازار کار اشاره شده است. به نظر می‌رسد بتوان مجموع نظرات متخصصان را در سه رویکرد دسته‌بندی کرد: رویکرد حرفه آموزشی، رویکرد یکپارچه‌سازی آموزش عملی و نظری، رویکرد پرورش صلاحیت‌ها و مهارت‌های پایه. رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی به منظور تاکید می‌تواند به عنوان راهبردی برای تحقق هدف پرورش صلاحیت‌های شغلی به کار گرفته شود. از جمله مهم‌ترین عناصر آموزش و پرورش برنامه‌های درسی آن هستند که بایستی از تناسب لازم در راستای اهداف و وظایف و تحولات مربوطه برخوردار بوده تا بتواند نقش موثر خود را ایفا کند. پرورش افراد برای ورود به جامعه آموزش عالی و بازار کار توسط آموزش و پرورش بایستی به گونه‌ای صورت پذیرد که شایستگی‌های لازم را در آن‌ها در زمینه‌های عمومی و نیمه تخصصی و تخصصی ایجاد نماید و این محقق نخواهد شد مگر آن که برنامه‌های درسی به گونه‌ای طراحی شده باشند که این شایستگی‌ها را در دانش آموختگان ایجاد و تقویت نماید. لذا بازنگری و طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر شایستگی می‌تواند به عنوان گامی در راستای تقویت و احیای شایستگی‌های دانش آموختگان متناسب با نیازهای جامعه و بازار کار و صنایع در نظر گرفته شود و شایستگی‌های لازم را در آن‌ها پدید آورد (مومنی و همکاران ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۴۵). برنامه‌ریزی و یادگیری مبتنی بر شایستگی در قلمرو شغلی به معنای شناسایی شایستگی‌های است که ارتباط مستقیمی با عملکرد آینده فرد دارند و بنابراین می‌توانند اهداف برنامه‌های آموزشی

را تشکیل دهند. بدون تردید تدوین شایستگی‌هایی که بتوانند هم در عرصه آموزش و هم در حوزه کار مناسب باشند امری دشوار و مستلزم هماهنگی کارفرمایان، برنامه ریزان و دست اندر کاران نظام آموزشی است. اما باید توجه داشت که آموزش و مهارت آموزی مبتنی بر شایستگی نیز جهت‌گیری‌هایی دارد که هر یک بر مبنای معرفتی خاص استوار است. بدیهی است بدون توجه به این مبانی تدوین برنامه‌های درسی با اهداف نظام‌های آموزشی، از کارایی لازم برخوردار نخواهند بود (مرجانی ۱۳۹۵:۱۲). در استفاده از رویکرد مبتنی بر شایستگی برنامه درسی می‌تواند به گونه‌ای طراحی شود که فارغ التحصیلان را برای کار آماده سازد، تاکیدش بر مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مساله باشد مراحل را برای یادگیری مادام العمر به منظور حفظ مهارت‌ها و دانش به روز شده برقرار سازد، رویکردی تلفیقی داشته باشد تا رویکرد سنتی مبتنی بر موضوع بر نتایج و اعمال قابل مشاهده تمرکز داشته باشد. از مزایای این نظام این است که دانشجویان اطمینان و اعتماد به نفس کسب خواهند کرد، برحوزه‌های خاص تسلط می‌یابند در مورد عمق و وسعت شایستگی مورد نیاز آگاهی خواهند یافت، به آن‌ها فرصت کافی داده خواهد شد تا سطح خاصی از شایستگی را کسب کنند و در صنایع متناسب به آسانی به کار گرفته شوند. تدوین کنندگان برنامه‌های درسی به طور اعم در عصر حال باید به این نکته توجه داشته باشند که برنامه درسی بایستی به گونه‌ای تدوین شود که شایستگی‌های لازم (دانش، مهارت، نگرش) را به منظور موفقیت دانش آموختگان در موقعیت‌های شغلی و زندگی شان در آن‌ها ایجاد و تقویت کند (مومنی و همکاران ۱۳۹۰:۱۴۸). مجموعه دانش، مهارت و نگرش‌هایی که کارکنان را قادر می‌سازد به صورتی اثر بخش فعالیت‌های مربوط به شغل یا عملکرد شغلی را طبق استانداردهای مورد انتظار انجام دهند شایستگی نامیده می‌شود.

دانش: فرآیند توسعه دانش و معلومات نظری به طور معمول از راه تحصیل در سطوح دانشگاهی حاصل می‌شود. توسعه دانش و معلومات زیر بنای توسعه مهارت‌ها و نگرش به شمار می‌آید و به تنهایی تاثیر چندانی در توسعه شایستگی ندارد.

مهارت: مهارت به مفهوم توانایی پیاده سازی علم در عمل است.

نگرش: تصویر ذهنی و درک انسان از پدیده‌های پیرامون خود و تصمیم‌گیری برای عمل بر مبنای همان تصویر ذهنی است (شهبازی و همکاران ۱۳۸۱:۱۰۸). الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی معمولاً ویژگی‌های خاصی برای عناصر برنامه درسی که عبارتند

از هدف‌ها، محتوا و فعالیت‌های یادگیری، روش تدریس و ارزشیابی در نظر می‌گیرد (هدایتی و همکاران ۱۳۹۵:۹۹).

بنابراین منظور از برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برنامه‌ای است که براساس دانش، توانایی و مهارت، نگرش، گرایش و اعتقادات مورد نیازی که دانش آموخته یک رشته برای موفقیت در حرفه‌اش بایستی دارا باشد طراحی و تدوین شود. در برنامه‌های آموزشی سنتی که معمولاً به صورت سخنرانی نیز برگزار می‌گردد آن چه که بیشتر اتفاق می‌افتد انتقال دانش است در حالی که در رویکرد توسعه مبتنی بر شایستگی انتقال دانش جز کوچکی از برنامه‌های آموزشی است زیرا شایستگی علاوه بر دانش شامل توانایی، مهارت، نگرش و انگیزه است. در این برنامه‌ها سعی بر آن است که فرد شایستگی را در عمل یاد بگیرد (مومنی و شریعتمداری ۱۳۸۸:۱۴۴). به دیگر سخن هدف اصلی از به کار بردن شایستگی‌ها در طراحی برنامه درسی افزایش احتمال انتقال تجارت یادگیری در پیامدهای سازمانی مبتنی بر عملکرد است. هدف موسسات آموزش عالی این است که نه تنها به دانشجویان کمک کنند که رفتارهای معینی را یاد بگیرند و آن‌ها را به وظایف مربوط به شغل انتقال دهند، بلکه هم‌چنین دانشجویان را هنگامی که فرصت‌هایی در آینده به وجود آمد برای اجرای شایسته آماده سازد. برای تحقق، موسسات آموزشی دامنه گسترده‌ای از ارزیابی‌ها برای شناسایی شایستگی به کار می‌بندند که دانشجویان را برای آماده شدن جهت دنیای کار آینده یاری نماید. از دیگر ویژگی‌های این نظام این است که:

- دانشجویان اطمینان و اعتماد به نفس کسب خواهند کرد.
- بر حوزه‌های خاص تسلط می‌یابند.
- در مورد عمق و وسعت شایستگی مورد نیاز آگاهی خواهند یافت.
- به آن‌ها فرصت کافی داده خواهد شد تا سطح خاصی از شایستگی را کسب کنند و در صنایع متناسب به آسانی به کار گرفته شوند (کرمی و مومنی ۱۳۹۰:۷۹).

## ۵. شایستگی در باستان‌شناسی

توسعه دانش و معلومات، زیربنای توسعه مهارت‌ها و نگرش به شمار می‌آید و به تنهایی و به خودی خود تاثیر چندانی در توسعه شایستگی‌ها ندارد. شایستگی دامنه وسیعی از مشخصات و ویژگی‌ها، شامل دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، صفات، نگرش‌ها و برخوردها،

انگیزه‌ها و رفتارها است که می‌تواند فرد را قادر سازد تا کار و وظیفه خود را به طور اثربخش و نتیجه بخشی به پایان برساند و این خصیصه و ویژگی می‌تواند براساس معیارها و استانداردهای عملکرد قابل قبول اندازه‌گیری شود (شاه طالبی و همکاران ۱۳۹۵: ۲۳).

پژوهندگانی که در زمینه الگوی مبتنی بر شایستگی برای بررسی برنامه‌های درسی کار کرده‌اند برای سنجش این برنامه‌ها چند روش را اتخاذ کرده‌اند. برخی برای محتوای شایستگی، بازار کار را در نظر گرفته‌اند و برخی دیگر با استفاده از روش پرسشنامه از صاحب‌نظران، بعضی از شاخص‌های درسی را مبنای تحلیل قرار داده‌اند. اما در این جا به این دلیل که در بازار کار ایران نیاز به رشته باستان‌شناسی به معنای اصیل آن تعریف نشده است و حتی می‌توان ادعان داشت که اهدافی که در سر فصل برنامه‌های آموزشی از تربیت دانش‌آموختگان این رشته در مقاطع مختلف آمده یا در عمل هرگز به واقعیت نپیوستند (برای نمونه به کارگیری دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در آموزش و پرورش<sup>۱۰</sup>) و یا مناسب سال‌های پیشین و مقتضیات آن زمان بودند و در حال حاضر کاربردی ندارند (مانند تربیت نیروی کارشناسی ارشد جهت تامین اعضای هیات علمی دانشگاه تهران یا تربیت مدرس<sup>۱۱</sup>)، مهارت‌های جهانی تعریف شده برای یک باستان‌شناس به عنوان شاخص سنجش برنامه‌های درسی در نظر گرفته شده است.

زمانی که مسئولان برنامه آموزشی اهداف برنامه را تعیین نمودند در قدم بعدی ویژگی‌های دانش‌آموختگی ابلاغ شده را براساس اهداف برنامه تحدید و به صورت دقیق‌تری تعریف می‌نمایند. منظور از ویژگی‌های دانش‌آموختگی شامل آن دسته از مولفه‌های شایستگی هستند که باید در طول یک برنامه آموزشی پرورش یابند (ابراهیم آبادی و همکاران ۱۳۹۷: ۲۸-۲۷). در این فرآیند پس از تشخیص نیازها و تعیین هدف‌ها، لازم است به انتخاب محتوا و سازماندهی آن پرداخته شود به طوری که زمینه برای تحقق هدف‌ها فراهم گردد (کریمی و همکاران ۱۳۹۵: ۱۵). در اینجا مهارت‌هایی که در فهرست شبکه (O\*NET) به عنوان مهارت‌های پایه‌ی مورد نیاز یک دانش‌آموخته باستان‌شناسی آمده، به عنوان شاخص تحلیل محتوای شایستگی آموزشی باستان‌شناسی در نظر گرفته شده است. این مهارت‌ها<sup>۱۲</sup> عبارتند از:

- توانایی به کارگیری اصول و مفاهیم تئوری برای مسائل باستان‌شناختی هم از دیدگاه انسانی و هم از دیدگاه علمی (مفاهیم نظری در باستان‌شناسی).
- دانش در مورد بافت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی در بازه‌های مختلف تاریخی.

- آگاهی نسبت به نقش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گذشته در دنیای امروز.
- مهارت در کار میدانی و تسلط بر فنون شناسایی، بررسی سطحی، کاوش و نمونه برداری.
- مهارت‌های پس از کاوش شامل فنون تجزیه و تحلیل لایه‌نگاری، فاز بندی و تفسیر، مطالعه داده‌ها و آرشیو کردن داده‌ها.
- مهارت‌های کتابخانه‌ای مانند ثبت، اندازه‌گیری، تحلیل و تفسیر مواد باستان‌شناسی.
- توانایی به کارگیری تکنیک‌های کامپیوتری در فرآیند بررسی داده‌ها.
- مهارت استفاده و تفسیر داده‌های فضایی در مقیاس‌های مختلف.

بنابراین سرفصل‌های درسی در تمام مقاطع می‌بایست به گونه‌ای تنظیم شوند که این مهارت‌ها را پوشش دهند. البته نمی‌باید از نظر دور داشت که مهارت‌های نام برده شده، تخصصی هستند و در کنار آن‌ها مهارت‌های عمومی دیگری نیز هم چون تسلط بر یک زبان خارجی و تسلط بر انواع نرم افزارهای کاربردی نیز در این شبکه آمده است.<sup>۱۳</sup>

## **۶. تحلیلی بر برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی بر اساس شاخص تحلیل محتوای شایستگی آموزشی رشته**

این بررسی تنها براساس عناوین درسی حاضر در برنامه‌های درسی هر سه مقطع است و مهارت‌های پیشتر گفته شده به عنوان شاخص تحلیل در نظر گرفته شده‌اند. مجدداً اشاره به این نکته ضروری است که برای تغییر برنامه‌های درسی دانشگاهی باید براساس الگوها و مدل‌های استاندارد برنامه‌ریزی درسی و تحصیلی پیش رفت و نمی‌باید سلیقه‌ای عمل کرد. مسئله‌ای که عملاً در زمان برنامه‌ریزی درسی رشته باستان‌شناسی به هیچ عنوان مورد نظر قرار نگرفته است.

مهارت اول بر دروس مشتمل بر مفاهیم نظری فلسفی از دیدگاه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی مشتمل است. در میان دروس ارائه شده در برنامه درسی مقطع کارشناسی باستان‌شناسی کمتر درسی را می‌توان یافت که با ماهیت باستان‌شناسی در ارتباط باشد و به پایه‌های نظری آن پرداخته باشد. درس مبانی فرهنگی باستان‌شناسی و درس تاریخچه علم باستان‌شناسی را می‌توان در این راستا قرار داد. اما در رئوس مطالب<sup>۱۴</sup> درس تاریخچه به مباحثی چون تاریخچه این علم در جهان و ایران، آشنایی با محل‌های حفاری شده در

مناطق مختلف ایران و هم چنین معرفی نقاط باستانی بین‌النهرین که تاکنون مورد کاوش قرار گرفته و کاوشگران آن اشاره شده است. از این رئوس مطالب می‌توان دریافت که دیدگاه برنامه‌ریزان حاضر در شورای برنامه‌ریزی تا چه اندازه نسبت به بحث تاریخچه متفاوت از ماهیت واقعی تاریخچه باستان‌شناسی بوده است.

تاریخچه محل‌های کاوش شده اگر چه می‌تواند مهم باشد اما درس تاریخچه باستان‌شناسی باید تاریخ شکل‌گیری باستان‌شناسی را به بحث بگذارد. جایگاه این رئوس در این درس نیست. تاریخچه باستان‌شناسی فقط تاریخچه‌ای از علم باستان‌شناسی نیست. در حقیقت آن تاریخچه‌ی همه رشته‌ها شامل تاریخ فرهنگی، سیاسی، مذهبی، تاریخ استعماری مربوط به سرگذشت زنان، تاریخ کار و اقتصادی است. باستان‌شناسی در خلا ایجاد نمی‌شود. تاریخچه باستان‌شناسی ترکیبی از مردم، مکان‌ها، نهادها، عقاید، ملت‌ها ایشیا و جوامع است (موشنسکا ۱۳۹۶: ۱۶۶). هم چنین در بین دروس کارشناسی هیچ درسی مرتبط با فلسفه باستان‌شناسی تعریف نشده است. به گفته ملاحصالحی

اهمیت فلسفه، معرفت‌شناسی و نقدهای نظری رشته‌ها و دانش‌ها در این است که می‌تواند تصویری خردمندانه، جامع‌نگر و انتقادی‌تر از هویت و ماهیت آن‌ها و این که به درستی چه هستند و چه نیستند ارائه دهد. ماهیت پیچیده و چندگون باستان‌شناسی به مثابه یک رشته و دانش دانشگاهی بدون فهم فلسفی و معرفت‌کاوانه آن فهم‌پذیر نیست. اقشار متوسط و نخبگان اجتماعی بدون آن که بدانند در درون باستان‌شناسی چه اتفاقی افتاده از دستاوردها، اطلاعات، معلومات و معارف آن استفاده‌های بسیار برده و مناظر و معارفی که باستان‌شناسان از گذشته به روی خاص و عام گشوده‌اند همواره در معرض سو استفاده‌ها و برداشت‌های ناراست قرار گرفته است. باستان‌شناسی ایران فارغ از خمیرمایه فکری و نظری لازم و ناآشنا به هستی و چیستی واقعی دانش باستان‌شناسی و ناآگاه به ماهیت واقعیت‌های شبه واقعی و مخدوش و خاموش و ناقص شواهد باستان‌شناختی و پیکره و شقه شده موضوعات مورد مطالعه و همچنین کاستی‌های تجربی و نارسایی‌ها و ناکامی‌های معرفتی آن وارد منطقه‌های پیچیده مشاهدات باستان‌شناسی شده است (۱۳۸۴: ۶).

به طور کلی اگرچه تعداد اندکی از واحدهای درسی دوره کارشناسی را تا حدودی می‌توان مرتبط با این مهارت قرار داد اما چندان کافی به نظر نمی‌رسد کما این که در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری این رشته، هیچ عنوان درسی که بتواند این مهارت را پوشش دهد دیده نمی‌شود. مبحث مهم دیگر که با ماهیت رشته در ارتباط است و در برنامه‌های درسی

مغفول مانده است مباحث نظری و انواع رویکردهای باستان‌شناسی است. متخصص باستان‌شناسی برای تحلیل مواد فرهنگی نیازمند تسلط بر انواع روش‌ها و نظریه‌ها در باستان‌شناسی است. اما دروس تعریف شده مبحث روش‌شناسی در باستان‌شناسی را در بر نمی‌گیرند.

در مهارت دوم که در مورد آگاهی از بافت‌های فرهنگی اجتماعی و تاریخی دوره‌های تاریخی گوناگون است بیشترین فراوانی دیده می‌شود و اکثریت دوس در هر مقطع تحصیلی حول این محور هستند. اگرچه باید به این نکته نیز اشاره کرد که بسیاری از دوس ارائه شده در مقطع کارشناسی ارشد در هر سه گرایش، دوس تکراری از دوره کارشناسی هستند و علاوه بر عنوان مشترک، هدف تعریف شده برای هر یک از دوس و نیز رئوس مطالب نیز بر اساس برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی یکسان است و هیچ تفاوتی دیده نمی‌شود.

مهارت سوم آگاهی نسبت به نقش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گذشته در دنیای امروز است و به نوعی ارتباط میان آن چه در گذشته وجود داشته با زمان حال را مد نظر دارد. به عبارت دیگر کاربرد داده‌های باستان‌شناسی در دنیای امروز. در هیچ یک از مقاطع تحصیلی عنوان درسی یا سر فصل جزئی در این رابطه تعریف نشده است. ممکن است اساتید بر اساس فازهای فکری و تحلیلی خود دانشجویان را به این سمت سوق دهند اما چون مراد در اینجا بررسی برنامه درسی مصوب است بنابراین می‌توان گفت که در مجموع تمامی واحدهای درسی در تمام مقاطع این رشته این مهارت در نظر گرفته نشده است.

دیگری، مهارت در کار میدانی و تسلط بر فنون آن است. در دوره کارشناسی ۲۰ واحد درسی ذیل این مهارت تعریف شده است. فی الواقع مهارت در کار میدانی ویژگی اساسی یک باستان‌شناس و محور ماهیتی کار باستان‌شناسی را در بر می‌گیرد و جایگاه آن در همان دوره کارشناسی است. اما آن چه که باعث می‌شود در سایر کشورها ارائه واحدهای عملی تنها به دوره کارشناسی محدود شود و یک دانشجوی کارشناسی ارشد و یا دکتری از این واحد درسی بی‌نیاز شود این است که کاوش و کار میدانی به عنوان شغل آن‌ها تعریف شده است اما در ایران چنین نیست و بسیاری از افراد در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن، همان دوره کارآموزی را می‌توانند بگذرانند و ممکن است دیگر شانس حضور در تیم‌های کاوش را پیدا نکنند. خوش‌بینانه از این نظر که اگر موقعیت دانشگاه محل تحصیل و اعتبارات آن به شکلی باشد که بتواند بستر حضور دانشجویان را در کار عملی فراهم کند. اما در صورتی



که این دوره به شیوه‌ی علمی و با تجهیزات خاص خود(همانند دانشگاه تهران) برگزار شود می‌تواند تمامی موارد این شاخص و شاخص بعدی را پوشش دهد.

مهارت بعدی نیز مجدداً در ذیل کار میدانی و کاوش قرار می‌گیرد و تنها کاوشی که کاملاً منطبق با استانداردهای بنیادی آن انجام شود می‌تواند به صورت عینی و واقعی این مهارت‌ها را در دانشجو پرورش دهد. ضمن آن که باید در نظر داشت در کاوش یک محوطه لزوماً ممکن است تمامی روش‌ها و قواعد و ضوابط به کار نیاید و این موضوع بستگی کامل به نوع محوطه، تاریخ آن و شرایط کاوش اعم از کاوش معمولی یا نجات بخشی و غیره دارد. به دیگر سخن کاوش هر محوطه باستانی براساس موقعیت خود ضوابط روشی خاص خود را می‌طلبد و نمی‌توان گفت که به دلیل وجود مثلاً ۲۰ واحد کاوش در محل، دانشجو تمام مهارت‌های مرتبط با کاوش را کسب می‌کند.

مهارت بعدی که مهارت‌های کتابخانه‌ای مانند ثبت، اندازه‌گیری، تحلیل و تفسیر مواد باستان‌شناسی است اگر چه می‌تواند به کار میدانی مرتبط باشد اما شیوه‌های تحلیل و تفسیر داده‌های باستان‌شناسی و هم چنین روش‌های اندازه‌گیری و ثبت و ضبط، نیاز به آموزش تئوری مهارت‌های مربوط دارند تا پس از آن در کارهای میدانی پیاده سازی شوند که البته می‌توان درس تئوری روش کاوش و آثار باستانی را دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد ذیل این مهارت تعریف کرد اما کافی به نظر نمی‌رسد.

توانایی به کارگیری فناوری‌های کامپیوتری در بررسی داده‌ها دیگر مهارتی است که فقدان آن در برنامه‌های آموزشی رشته باستان‌شناسی در تمام مقاطع وجود دارد. این نوع مباحث جزو مهارت‌های اصلی مورد نیاز یک باستان‌شناس هستند که جایی در برنامه درسی آموزشی آن در ایران ندارند. این نوع مباحث، مباحثی جدید هستند که با پیشرفت‌های فناوری در سال‌های اخیر در باستان‌شناسی نیز به کار گرفته شده‌اند.

در نهایت مهارت استفاده و تفسیر داده‌های فضایی در مقیاس‌های مختلف است؛ داده‌های فضایی یا اطلاعات جغرافیایی، داده‌ها و یا اطلاعاتی است که موقعیت جغرافیایی عنصری را روی زمین نشان می‌دهد و دسترسی به آن‌ها با استفاده از روش‌هایی چون سنجش از دور یا عکس‌های هوایی و غیره امکان‌پذیر است. در میان سر فصل‌های آموزشی تمام مقاطع باستان‌شناسی تنها دو واحد درسی مرتبط با کاربردهای عکس‌های هوایی در بین دروس مقطع دکتری تعریف شده است که نمی‌تواند کافی باشد.

در رابطه با فقدان دو مهارت اخیر در برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی باید گفت محتوای دروس هر رشته‌ای می‌بایست با توجه به مقتضیات زمان و نیاز جامعه تهیه و در دروس خاص جنبه‌های کاربردی آموزش لحاظ شود و صرفاً به ذکر مباحث تئوری اکتفا نشود و هم‌چنین این محتوا باید با جدیدترین پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی رشته هماهنگ باشد و به تعبیر بهتر روزآمد بوده و به گونه‌ای طراحی شود که بتوان آن‌ها را با تحولات و دانش روز هماهنگ کرد (فردانش ۱۳۷۸: ۴۷). به روز نبودن برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی کاملاً مبرهن است. براساس علوم میان‌رشته‌ای که امروزه در سطح جهان به کمک باستان‌شناسی آمده‌اند تعداد بسیاری از مباحث وجود دارند که هیچ‌یک از آن‌ها در برنامه درسی هیچ‌یک از مقاطع باستان‌شناسی در ایران لحاظ نشده است. باستان‌شناسی منظر، رایانه در باستان‌شناسی، باستان‌شناسی و میان رشته‌ها، آمار و کاربرد آن در باستان‌شناسی، انسان‌شناسی جسمانی، باستان‌سنجی، عکاسی در باستان‌شناسی، نقشه‌کشی و نقشه برداری، روش‌های آنالیز مواد، کاربرد جی‌آی‌اس در باستان‌شناسی از جمله مباحث کاربردی و منطبق با کاربرد روز این دانش در جهان هستند که در ایران دانشجوی باستان‌شناسی در هیچ‌یک از مقاطع تحصیلی با آن‌ها برخورد نمی‌کند. به دیگر سخن از لحاظ کاربردی، دروس برنامه‌ریزی شده در این رشته مرتبط با جمع‌آوری اشیای باستانی و توصیف عملیات کاوش و اطلاعات راجع به اشیای یافت شده و شرح و مقایسه آن‌ها با اشیای به دست آمده از سایر مناطق هستند و قرابتی با روش‌های تحلیلی باستان‌شناسی ندارند. یکی از دلایل این مسئله آن است که رشته‌ای مانند باستان‌شناسی پویاست و بسیار اتفاق می‌افتد که با کشف آثار جدید در محل‌های جدید نظریه‌های قبلی تغییر کرده باشد. بنابراین طبیعت این دانش چنین اقتضا می‌کند که سرفصل‌های درسی آن به تناوب بازنگری شوند تا بتوانند با آخرین تحولات علمی روز هماهنگی پیدا کنند.

## ۷. نتیجه‌گیری

به طور کلی باید گفت که مراکز آموزشی باستان‌شناسی نقش بسیار اساسی در جلو رفتن یا پس رفت باستان‌شناسی ایران دارند. آن‌چه از نحوه شکل‌گیری و توسعه رشته باستان‌شناسی و هم‌چنین برنامه‌های درسی مقاطع مختلف برمی‌آید نشان می‌دهد شرایط کنونی مراکز آموزشی باستان‌شناسی ایران چندان مطلوب نیست؛ نبود امکانات و ضعف برنامه‌ریزی در ساختار کلی این مراکز از یک سو و بی‌توجهی به تخصص‌پذیری و به روز شدن

در عرصه مطالعات باستان‌شناسی از سوی دیگر مانع بزرگی در راه دستیابی به یک باستان‌شناسی پویا و کارآمد فراهم آورده است. کیفیت پایین دروس و بی‌توجهی به مباحث تخصصی و به روز، پرداختن به مطالب تکراری و جدی نگرفتن آموزش میدانی طی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد موجب شده که باستان‌شناسی ایران به موضوعات سطحی و ناشیانه سرگرم باشد و از پژوهش‌های اصولی و برنامه‌ریزی شده و هدفمند باستان‌شناسی که براساس چیهستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی اصیل آن باشد، غافل بماند.

پس از انقلاب فرهنگی برنامه درسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین می‌شود که تا به امروز تغییری نکرده است. اعضای حاضر در آن شورای تخصصی نیز هیچ یک از اساتید آن زمان گروه باستان‌شناسی نبودند و به تعبیری در گزینش این برنامه درسی اعضای تخصصی گروه نقشی نداشتند. بسیاری از دروس مقطع کارشناسی ارشد نیز منطبق بر دروس مشابه خود در مقطع کارشناسی هستند. این که با وجود گذشت نزدیک به سی سال و با وجود ناکارآمدی آشکار این برنامه‌های درسی که بارها نیز مورد نقد قرار گرفته است، هنوز تغییری در آن‌ها داده نشده است بسیار جای تامل دارد. پر واضح است که ساختار فعلی واحدهای درسی، به سوی یک باستان‌شناسی پویا و کارآمد نیست. تحول و پیشرفت باستان‌شناسی ایران مستلزم تحول در بخش‌های آموزشی و پژوهشی و ارتباط تنگاتنگ میان این دو است.

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان براساس این بررسی مشاهده کرد که در برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی در تمام مقاطع بیشترین تاکید بر مهارت "دانش در مورد بافت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی در بازه‌های مختلف تاریخی" قرار گرفته است و دروس به صورت مکرر در تمام مقاطع تکرار می‌شوند و سایر مهارت‌ها که عملاً وجه تمایز یک متخصص باستان‌شناسی را شکل می‌دهند اصلاً در برنامه‌های درسی جایگاهی ندارند. این بررسی حاکی از آن بود که طراحی این برنامه‌های درسی بیشتر صبغه موضوع محور دارد و از این طریق آن چه که بیش از همه به فراگیر انتقال می‌یابد مجموعه‌ای از دانش و اطلاعات است و بعید می‌نماید این رویکرد بتواند در زمینه ایجاد مهارت‌ها و شایستگی‌های لازم راه به جایی ببرد. این روند می‌بایست به رویکردی که پرورش صلاحیت‌ها و مهارت‌های پایه را در نظر دارد تغییر کند و برنامه‌ی درسی طراحی شود که براساس دانش، توانایی و مهارت، نگرش و گرایش‌های مورد نیازی که دانش آموخته یک

رشته برای موفقیت در حرفه‌اش بایستی دارا باشد، را ایجاد کند. اگر چه اساس چنین برنامه‌ریزی درسی بر آن است که در درجه اول محتوای آموزشی با نیاز بازار کار هماهنگ شود اما شوربختانه در ایران عملاً بازار کاری نیز برای این رشته تعریف نشده تا براساس آن بتوان برنامه‌ریزی کرد.

لازم به ذکر است که تحلیل بر مبنای رویکرد شایستگی که در اینجا انجام شد براساس استانداردهای مهارتی باستان‌شناسی بود و این مهارت‌ها به عنوان شاخص در نظر گرفته شدند؛ اما پیشنهاد می‌شود در تدوین برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی با رویکرد شایستگی از دیدگاه‌های ذی‌نفعان (دانشجویان، دانش آموختگان، شاغلین مرتبط) و صاحب‌نظران (اساتید) به منظور شناسایی و تعیین شایستگی‌ها استفاده شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از طرحی پژوهشی در قالب طرح کلان اعتلای علوم انسانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با عنوان بررسی و تحلیل تاریخی وضعیت برنامه‌های آموزشی از حیث مهارت افزایی دانشجویان رشته باستان‌شناسی و اشتغال دانش آموختگان آن در مقاطع گوناگون تحصیلی از آغاز تا امروز (۱۳۹۶) است.
۲. برای اطلاعات بیشتر از فهرست این دروس بنگرید به (سالنامه دانشسرای عالی ۱۳۱۵) و هم چنین: سعیدی هرسینی ۱۳۷۹: ۵۵-۵۰).
۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد عیسی بهنام بنگرید به (زارع ۱۳۷۸: ۴۹-۴۶).
۴. برای اطلاعات بیشتر در این مورد بنگرید به (نگهبان، ۱۳۷۶).
۵. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به (ملک شهمیرزادی ۱۳۸۲: ۵۵).
۶. برای فهرست این دروس بنگرید به برنامه درسی کارشناسی رشته باستان‌شناسی مصوب چهل و دومین جلسه شورای عالی برنامه ریزی مصوب ۱۳۶۵/۰۲/۰۶.
۷. برای فهرست این دروس بنگرید به برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی مصوب پنجاه و ششمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی مورخ ۱۳۶۵/۰۷/۰۵.
۸. برای فهرست این دروس بنگرید به برنامه درسی دکتری رشته باستان‌شناسی مصوب سیصد و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی مورخ ۱۳۷۴/۷/۳۰.
۹. این برنامه منبع اصلی اطلاعات شغلی کشور امریکاست و از اطلاعات آن برنامه‌هایی برای تسهیل توسعه و نگهداری از نیروی کار ماهر ایجاد شده است. این داده‌ها برای کمک به افراد

تحلیلی بر التزام بازیابی برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی ... ۳۸۵

- برای یافتن آموزش و شغل مورد نیاز بسیار حیاتی بوده و به کارفرمایان برای به کارگیری کارمندان ماهر کمک می‌کند. <https://www.onetcenter.org/overview.html>
۱۰. برای آگاهی از این اهداف بنگرید به برنامه مصوب کارشناسی رشته باستان‌شناسی مصوب چهل و دومین جلسه شورای عالی برنامه ریزی. ص ۵.
۱۱. برای آگاهی از این اهداف بنگرید به برنامه مصوب کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، مصوب پنجاه و ششمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی. ص ۵.
۱۲. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به <https://www.onetonline.org/link/summary/19-3091.02>
۱۳. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به <https://www.onetonline.org/link/summary/19-3091.02>
۱۴. برای آگاهی از این رئوس مطالب بنگرید به برنامه مصوب کارشناسی رشته باستان‌شناسی مصوب چهل و دومین جلسه شورای عالی برنامه ریزی مصوب ۱۳۶۵/۰۲/۰۶. بخش سوم صفحه ۱۷.

## کتاب‌نامه

- ابراهیم‌آبادی، فرهاد؛ عارفی، محبوبه؛ فتحی‌واجارگاه، کوروش و جعفر توفیقی (۱۳۹۷). "مدیریت چرخه شایستگی و برنامه ریزی آموزشی در دوره کارشناسی فناوری اطلاعات"، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، س ۱۵، ش ۳۱.
- بینقی، تقی و محمود سعیدی رضوانی (۱۳۸۰). "طراحی برنامه درسی علوم کاربردی در دوره‌های آموزش عالی: یک الگوی مناسب"، کنفرانس ملی تکنولوژی در آموزش عالی.
- زارع، شهرام (۱۳۷۸). "نگاهی به برنامه درسی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران"، فصلنامه باستان پژوهی، س ۲، ش ۷.
- زارع، شهرام (۱۳۸۰). "نگاهی به برنامه‌های آموزشی باستان‌شناسی در ایران: گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران"، فصلنامه آثار، ش ۲.
- زارع، شهرام (۱۳۸۷). "یاد یار ... دکتر عیسی بهنام"، فصلنامه آثار، س ۱، ش ۱.
- سالنامه دانشسرای عالی ۱۵-۱۳۱۴. تهران.
- سعیدی هرسینی، محمدرضا (۱۳۷۹). "نگاهی به سر فصل‌های درسی رشته باستان‌شناسی"، مجله سخن سمت، دوره ۵، ش ۶.
- سعیدی هرسینی، محمدرضا و احمد چایچی امیرخیز (۱۳۹۱). "بررسی و تحلیل سیر کیفی و کمی محتوای آموزشی دروس باستان‌شناسی ایران"، مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ش ۲۶.

- شاه طالبی، سمیه؛ لیاقت‌دار، محمدجواد و فریدون شریفیان (۱۳۹۵). "شایستگی‌های مهارتی دانش-آموختگان دکتری برنامه درسی ایران؛ بررسی دیدگاه صاحب نظران و متخصصان برنامه درسی"، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، س ۱۳، ش ۲۵ (پیاپی ۵۱).
- شورای عالی برنامه ریزی (۱۳۶۵). مشخصات کلی برنامه و سر فصل دروس دوره کارشناسی باستان‌شناسی، مصوب چهل و دومین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی.
- شورای عالی برنامه ریزی (۱۳۶۵). مشخصات کلی برنامه و سر فصل دروس دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، مصوب پنجاه و ششمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی.
- شورای عالی برنامه ریزی (۱۳۷۴). مشخصات کلی برنامه و سر فصل دروس دوره دکتری باستان‌شناسی، مصوب سیصد و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی.
- شهبازی، رحیم؛ فهیم‌نیا، فاطمه؛ حکیم‌زاده، رضوان و غلامرضا فدایی (۱۳۸۱). "تحلیل سرفصل‌های برنامه‌های درسی مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی براساس فرصت‌های شغلی نوظهور مبتنی بر فناوری اطلاعات در بازار کار جهانی"، فصلنامه علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره ۱۸، ش ۲.
- عارفی، محبوبه (۱۳۸۴). برنامه ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- عبدی، کامیار (۱۳۸۱). "به جای سرمقاله باستان‌شناسی یا تاریخ هنر و یا ...". فصلنامه باستان‌پژوهی. سال ۴، ش ۱۰.
- فردانش، هاشم (۱۳۷۸). "سرفصل‌ها و جایگاه آن‌ها در برنامه آموزش عالی کشور"، مجله سخن سمت، ش ۵.
- کدخدایی، محبوبه السادات؛ اخوان تفتی، مهناز؛ رضایت، غلامحسین و پروین احمدی (۱۳۹۶). "طراحی الگوی آموزش دانشگاهی مبتنی بر شایستگی برای رشته‌های علوم انسانی"، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، س ۹، ش ۱.
- کرمی، مرتضی و حسین مومنی مهموئی (۱۳۹۰). "بازار کار جهانی و تاثیر آن بر طراحی برنامه درسی"، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات برنامه درسی ایران، س ۶، ش ۲۱.
- کریمی، صدیقه؛ نصر، احمدرضا و مصطفی شریف (۱۳۹۵). "چالش‌های دانشگاه در تدوین محتوای متناسب با شایستگی‌های یادگیرنده مادام‌العمر"، فصلنامه پژوهش در برنامه درسی. س ۱۳، ش ۲۳ (پیاپی ۵۰).
- مرجانی، بهناز (۱۳۹۵). "گذر از برنامه درسی سنتی به برنامه درسی مبتنی بر شایستگی"، فصلنامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش، دوره ۱۲، ش ۲.
- ملاصالحی، حکمت‌الله (۱۳۸۴). "سخن نخست سرگفتار باستان‌شناسی"، دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان رشته‌ای، س ۱، ش ۱.

ملک شه میرزادی، صادق (۱۳۸۲). *ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم* شهرنشینی. تهران، انتشارات میراث فرهنگی.

منصوری گرگر، رحیمه؛ صالحی، اکبر و عفت عباسی (۱۳۹۵). "ویژگی‌های برنامه‌های درسی در عصر جهانی شدن و بین‌المللی کردن برنامه درسی"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش در برنامه درسی، س ۱۳، ش ۲۳ (پیاپی ۵۰).

موشنسکا، گابریل (۱۳۹۶). "چرا تاریخچه باستان‌شناسی اهمیت دارد؟"، ترجمه مهران متشیری، دو فصلنامه علمی-تخصصی *خردنامه*، س ۸، ش ۱۸.

مومنی مهموئی، حسین و علی شریعتمداری (۱۳۸۸). "طراحی الگوی برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی برای مقطع کارشناسی رشته آموزش ابتدایی"، دو فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱، ش ۲.

مومنی مهموئی، حسین؛ شریعتمداری، علی و عزت الله نادری (۱۳۸۷). "برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی"، *پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد*. س ۵، ش ۱۷.

مومنی مهموئی، حسین؛ کاظم پور، اسماعیل و محمد تفرشی (۱۳۹۰). "برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی؛ راهبردی مطلوب برای توسعه شایستگی‌های اساسی"، فصلنامه *راهبردهای آموزش*. دوره ۴، ش ۳.

نگهبان، عزت الله (۱۳۷۶). *مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران*، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

هدایتی، اکبر؛ ملکی، حسن؛ صادقی، علیرضا و اسماعیل سعیدی‌پور (۱۳۹۵). "طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبایی. سال ۱، ش ۴.

یوسفی افراشته، مجید؛ قاضی طباطبایی، محمود؛ غروی، محمدجواد؛ بازرگان، عباس و محسن شکوهی یکتا (۱۳۹۳). "دستاوردهای یادگیری مورد انتظار از دانش‌آموختگان کارشناسی رشته علوم آزمایشگاهی از نظر کارفرمایان: یک پژوهش کیفی"، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ش ۲.